



انسان در زندگی اجتماعی و فردی خود همواره بدنبال شناخت «ارزشها» و معیار «ارزش» میباشد تا «فی‌المثل» طلا را از مس بشناسد و سفیهانه، لعل و گوهر را با خرمهره بدل نکند. این توجه به ارزش اشیاء گرچه یک میل فطری و طبیعی است ولی گاهی حس فطری انسان در تشخیص اشتباه میکند و چیزهای فاقد «ارزش واقعی» را با ارزش میگیرد؛ همانطور که کودک بحکم غریزه بدنبال یافتن خوراکی است، اما گاهی ممکن است با اشتباه هر چیز مضر را به دهان بگذارد.

در جوامع بشری این اشتباه در موضوع و تصور برخی امور فاقد ارزش واقعی بعنوان اموری ارزشمند، فراوان دیده میشود. سبب این شکست بشر در رسیدن به «ارزشهای واقعی»، نشناختن و نداشتن «معیار ارزش» واقعی است. ارزش، هنگامی واقعی و مفید و بدون خسارت است که با حقایق واقعی یعنی نظام طبیعی آفرینش، منطبق باشد، و عقلانیت و شرع و عرف عقلا هم آنرا تأیید کند؛ هر آنچه با این معیار و شاخص منطبق نباشد زیان‌آور است و خسارت بار می‌آورد. متأسفانه در تحلیل رفتارهای اجتماعی ملت‌ها این اشتباه و این خسارتها دیده میشود، جایی که جهالت و هوسهای خام یا تقلید کورکورانه از

DOR: 20.1001.1.15600874.1401.27.3.7.1

گروهی دیگر، بجای شاخص ارزش واقعی مینشیند و بصورت عرف و عادت غلط در جامعه میماند.

مدتی است بحث رسانه‌ها بر سر «تبعیض ناروایی» است که دولت یا برخی تشکیلات رسمی کشور، بصورت بذل اسراف آمیز بیت‌المال به فوتبال حرفه‌یی یا ملی روا میدارد. ما بارها در همین صفحه به آن پرداخته بودیم، و اخیراً نیز بوسیله یکی از دلسوزان انقلاب و نظام اسلامی واقعی بیان شد. این «تبعیض» از آنرو «ناروا» است که در مقایسه با نیاز شدید امور علمی و مراکز تحقیقی فلسفی، و خدماتی مانند آن، بویژه در حوزه و دانشگاه، با این ورزش و این میراث غربی گاه مضر فرهنگی و اخلاقی، دیده میشود که سهم نهادها و بنیادهای مفید کشور بسیار کمتر است یا حتی به برخی از بنیادهای آزاد پژوهشی بودجه‌یی داده نمیشود.

بدیهی است که هرگونه کوتاهی در کمک شایسته به اینگونه مؤسسات و مراکز، بنفع دشمنان نظام و برابر سیاستهای ضدفرهنگی و ضدعلمی آنان بر ضد کشور است، که در چهار دهه این انقلاب اسلامی مستمراً در اجرای آن کوشا بوده‌اند. باید دانست که نبود ارزش واقعی در یک ورزش تشریفاتی بیفایده و گاهی مضر، هیچ ربطی به ورزشکاران و اصل ورزش ندارد و طرح و بحث شخصیت ورزشکاران در این عرصه، بکلی غلط و بیربط به اصل مسئله و نوعی مغالطه است. بیشتر قهرمانان کشور بویژه رشته‌های ایرانی‌الاصل، جوانانی محترم میباشند، اما فوتبال این ورزش پرهزینه و بیسود که حتی در جهان نتوانسته جایگاهی بدست آورد، در مقایسه با نهادهای علمی جامعه‌ساز - که با معرفت و تربیت روحی و شخصیت‌سازی و رشد اندیشه و فرهنگ انسان مرتبط است - در خور اینهمه هزینه و اسراف و تبذیر از کیسه ملت فقیر ما نیست و با مصالح ملی نیز ناسازگار است و عقل و منطق و شرع آنرا نهی میکند.